شیرازه: یادی از کاوه گلستان به بهانه انتشار کتاب «بودن با دوربین»

ناقوسی بر فراز قاف

علیرضا امیرحاجبی

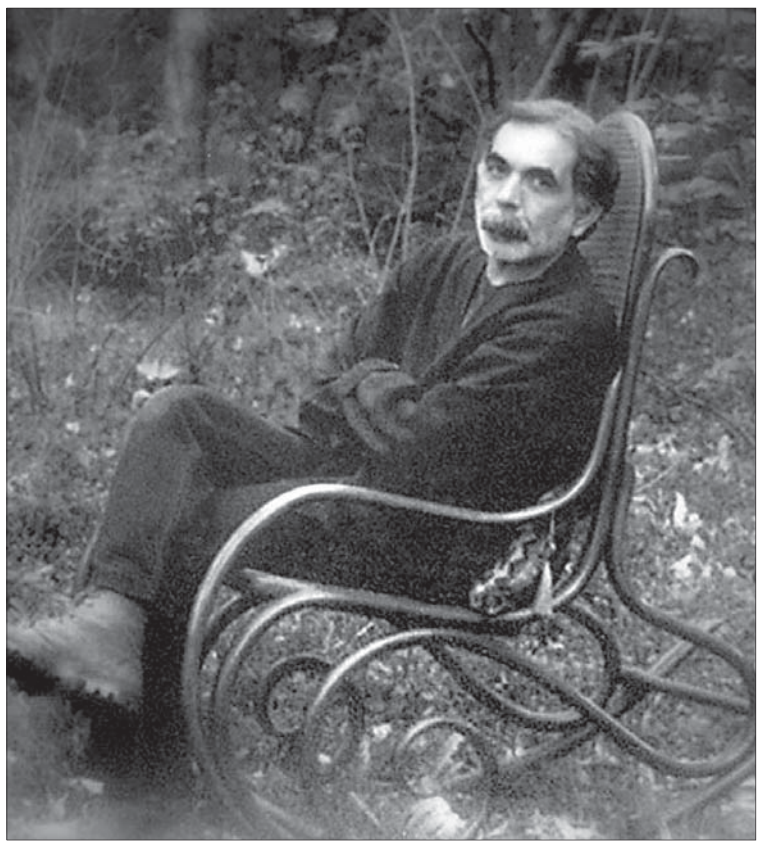

شغل خبرنگاری و روزنامه‌نگاری از آن دست شغل‌هایی است که از دور دل می‌برد و از نزدیک زهره. همگان اینچنین می‌اندیشند که نان خبرنگاران در روغن است و قدرتی دارند بی‌حدوحساب. اما وقتی کمی جلوتر می‌آیند می‌فهمند که به‌جز فشار زیر بار مسوولیت‌های نوشته و ناگوشته در این حرفه هیچ نیست. کار خبرنگاران بیشتر محیطی است و با مسایل به طور مستقیم در ارتباط هستند اما روزنامه‌نگاران کمی دورتر در خط دوم اطلاع‌رسانی و تحلیل خبر و رویدادها ایستاده‌اند. البته این بدان معنی نیست که روزنامه‌نگاران از تهدیدات و فشارها در امان هستند. بسیار روزنامه‌نگارانی بودند که تنها به دلیل افشاگری در سراسر جهان به دردسرهای زیادی افتاده‌اند. راه دور نرویم چه در کشور خودمان و چه در ترکیه یا در روسیه یا چین یا عراق و بسیاری دیگر از کشورها، موقعیت روزنامه‌نگاران و خبرنگاران، متزلزل و ژلاتینی است. خطرات حرفه رسانه‌ای به طور کل به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی خطرات محیطی و دوم خطرات معطوف به نهادهای قدرت. حال فرقی نمی‌کند این نهادها رسمی و حکومتی باشند یا غیرحکومتی. در هر حال خبرنگار و روزنامه‌نگار ذاتا در خطر است. حال باید دید این خطرات برحسب موارد مختلف چگونه مدیریت می‌شوند و آیا اصلا این خطرات را می‌توان کاهش داد یا نه. در زمینه خطرات محیطی، خبرنگاران می‌توانند تا حدود زیادی از ورود به عرصه خطر جلوگیری کنند و جان خود و همکارانشان را به خطر نیندازند.

پنج‌سال پیش، در پروژه یک‌ساله زمانی که تصمیم گرفتم با خبرنگاران برجسته ایرانی و خارجی در زمینه خطرات محیطی به‌خصوص در حوزه‌های بحرانی و جنگ مصاحبه‌هایی داشته باشم به این نتیجه رسیدم که از ۴۰درصد خطرات براساس تصمیمات شخصی خبرنگاران پیش می‌آید و هیچ فرد یا گروه مشخصی در این رابطه مقصر نیست به جز شخص خبرنگار، تصویربردار و عکاس. یکی از مسایلی که باعث می‌شود خبرنگار وارد موقعیت خطرناک شود نوع و مقدار انتظاراتی است که مدیران یک نهاد اطلاع‌رسانی مثلا تلویزیون یا خبرگزاری از کارمندان و خبرنگاران خود دارد. فشاری پنهان که هر خبرنگار حرفه‌ای آن را تجربه کرده است. مدیر رسانه از خبرنگار می‌خواهد که دست خالی از میدان بحرانی بازنگردد و خبرنگار هم خود را به آوردن خبر و تصاویر دست اول ملزم می‌داند. به‌قول یکی از دوستانم که می‌گفت: «امان و صد امان از وسوسه پخش خبر اختصاصی که چه سرهایی را به باد داده است.»

گاهی نیز خبرنگار یا عکاس بر سر نوعی رقابت حرفه‌ای و شخصی دست به اقداماتی می‌زند که جبران‌ناپذیر است اما در حدود ۶۰درصد اتفاقات و حوادث در محیط‌های بحرانی بدون مقصر و فقط براساس حادثه روی می‌دهد و اقدامات تامینی هم نمی‌تواند به خبرنگار و عکاس، کمک چندانی بکند. اما باید به این نکته اشاره داشت که خبر، ارزش گرفتن جان یک انسان را ندارد. هرچقدر هم که رویدادی دست اول باشد عکاس و خبرنگار نباید خود را به آب و آتش بزند چون چیز زیادی حاصل او نخواهد شد. ده‌ها جزوه و کتاب در زمینه خطرات و مدیریت بحران در حوزه رسانه به چاپ رسیده است با خواندن فقط یکی دو کتاب خواهیم دید بعضی از خبرنگاران دست به چه اقدامات خطرناکی می‌زنند. هیچ کار خاصی هم از دست نهادهای حامی خبرنگاران و عکاسان خبری برنمی‌آید. اولین محافظ هر خبرنگار خودش خواهد بود. بسیاری بر این عقیده‌اند که دست تقدیر بود که فلان یا بهمان خبرنگار کشته شد. این حرفی به‌شدت خطرناک است. به‌جرات می‌توان گفت که در بسیاری از حوادث، تصمیم‌گیری‌های عوامل انسانی باعث خلق یک فاجعه می‌شود. رویداد تلخ کشته‌شدن کاوه گلستان هم بی‌تردید از جمله همین‌دست رویدادهایی بود که تصمیمات عامل انسانی در آن اثر مستقیم داشت. من در چند مقاله مفصل به این رویداد پرداختم. حال نیز از ذکر جزییات و اشتباهات فاحش خبرنگار ارشد بی‌بی‌سی در عراق، یعنی جیم میور خودداری می‌کنم. اما یادآوری این نکته برای دوستان خبرنگار و فوتوژورنالیست‌های ایرانی که سرمایه‌های این کشور در حوزه خبر هستند ضروری است که با ازدست‌دادن شخصیتی مانند گلستان جای خالی‌اش در حوزه خبر پر نمی‌شود. اگر کسی قدردان شما نیست، اهمیت ندارد؛ دستاوردهای شما نشان‌دهنده اهمیت حرفه خطیر شماست. با ازمیان‌رفتن هر خبرنگار و عکاس خبری فعال و آگاه، یک فقدان و خلأ نامحسوس در این حوزه به وجود می‌آید. چند نفر از نزدیکان گلستان می‌گفتند: «وی عاشق خطرکردن بود و بارها با مرگ رودررو شد بالاخره هم تسلیم مرگ شد.» حرفی سراسر غلط که تنها برای توجیه‌کردن و ماله‌کشی بر روی رخدادی به کار می‌رود که به سادگی می‌شد جلویش را گرفت. مرگ یک عکاس و تصویربردار مانند گلستان همیشه باید تروتازه مقابل چشمانمان باشد تا بتوانیم کمی جلوی تصمیمات غلط را گرفته و به خیلی از دوستان، همکاران، مدیران و حتی به خودمان بگوییم: «نه»

۸۰درصد احتمال این وجود دارد که زیر دست‌وپای جمعیت در فلان تجمع بمانی و دوتا دنده و یک دستت بشکند. ۱۰درصد احتمال مرگ نیز وجود دارد اما نود درصد احتمال دارد عکسی که از این تجمع گرفته‌ای در رقابت‌های پولیتزر یا ویزا پورلیماژ برنده نخست شود. تصمیمت را بگیر. می‌روی یا...؟ این تصمیم‌گیری سختی است که نباید به سرعت به آن پاسخ داد. کاری که بسیاری کرده‌اند و هیچ‌گاه به خانه‌شان بازنگشته‌اند. بگذاریم و بگذریم که اگر کمی بیشتر بنویسم باز مثل گذشته باران بدوبیراه گفتن‌ها بر سرم می‌بارد. اخیرا نشر حرفه هنرمند، کتابی در زمینه زندگی کاوه گلستان منتشر کرده است که باعث خوشحالی زیادازحد من شد زیرا نوشتن درباره کاوه گلستان تبدیل به یکی از خطوط قرمزی شده است که مطبوعات و ناشرین آن‌چنان به آن نمی‌پردازند. اما شهریار توکلی که خود عکاسی باسابقه و صاحب‌سبک است تصمیم به چاپ این کتاب کوچک اما قابل‌توجه گرفته است. نویسنده کتاب حبیبه جعفریان، طی چند گفت‌وگو به بخشی از زوایای زندگی و فعالیت‌های حرفه‌ای کاوه گلستان پرداخته است. از جمله در گفت‌وگوهایی با مرحوم فخری گلستان، لیلی گلستان و هنگامه گلستان به ابعاد شخصیتی این هنرمند و عکاس بزرگ ایرانی نگاهی شده است. در این بین، گفت‌وگو با لیلی گلستان شاید از سایر گفت‌وگوها جالب‌تر باشد و دلیل آن نقطه‌نظری است که وی درباره بهمن فرمان‌آرا و فیلم یک بوس کوچولو ارائه می‌کند. گفت‌وگوهای دیگری نیز در این کتاب دیده می‌شود از جمله با بهمن جلالی که نوعی پروجکشن و فرافکنی شخصی است و ارزش آنچنانی ندارد. یادداشت‌هایی از بابک احمدی و یوریک کریم مسیحی هم به‌عنوان تکمله‌هایی فلسفی و فنی تا حدودی برای خواننده مفید است. اما گویا محدودیت‌های چاپ کتاب و بحران کاغذ، باعث شده است عکس‌های این کتاب‌های ارزشمند در ابعاد مناسبی ارائه نشود. کتاب بودن با دوربین، یادگار کوچکی است برای مردی بزرگ که بودنش هیچ‌گاه شبیه‌سازی نمی‌شود.

بودن با دوربین
کاوه گلستان، زندگی، آثار و مرگ
حبیبه جعفریان
ناشر: حرفه هنرمند
نشر: افراز

خواندن جان پیاده‌روها

مانی سپهری: «بنفش‌تر از خود با خیابان‌های خاموش»، عنوان تازه‌ترین مجموعه شعر محمدرضا اصلانی است و این در حالی است که سال‌ها بود که از اصلانی مجموعه شعر تازه‌ای منتشر نشده بود و آخرین دفتر شعر پیش از این منتشرشده‌اش، «سوگنامه سال‌های ممنوع» بود که در سال ۱۳۵۷ منتشر شد و «بنفش‌تر از خود با خیابان‌های خاموش»، پس از «شب‌های نیمکتی، روزهای باد» (۱۳۴۴)، «بر تفاضل دو مغرب» (۱۳۵۴) و «سوگنامه سال‌های ممنوع» (۱۳۵۷) چهارمین دفتر شعر او ست.

تازه‌ترین مجموعه شعر اصلانی حاوی نوعی دلواپسی و هراس است. دلواپسی و هراسی که تصویرهایی که اصلانی با زبان می‌آفریند، به آن شکل می‌دهد. شعر اصلانی نه بیان دغدغه‌های شخصی و خصوصی که پیوند فردیتی زخم‌خورده و نگران با زمینه‌ای جمعی و تاریخی است. به‌همین دلیل در شعر او بدن فرد به بدن شهر و خیابان و هرآنچه بیانگر زمینه‌ای جمعی است، پیوند می‌خورد و گاه هرکدام از این بدن‌ها انعکاس دیگری می‌شوند و نبض شهر در نبض فرد می‌زند و نبض فرد در نبض شهر، مانند این شعر: «در ناگهانی چهره‌به‌چهره نبش‌های کوچه‌به‌کوچه/ صدای بی‌هوای زخم را/ می‌شنوم/ و عمق نازک فاجعه را در دیوارها/ و هجوم پاها/ از شدت شرم گریزان/ یقه‌ای میان یقه‌ها/ سری میان سرها/ دستی فروپاشیده میان اقیانوس‌ها/لجه تاریک همه صداها/سکوتی میان سکوت‌ها/نت کشیده بی‌صاحب میان خرده‌روزنامه‌ها/ خرده‌های پول/ خرده‌های غذا/ در نگاه سریع موش‌ها/ و خرده‌های برگ/ در تهدید گریزندنبودن/ بهار را عشق کن/ و عشق را/ به بودن تهدید کن/ای زایر آتش‌ها/ در خواندن جان پیاده‌روها.»

یا این یکی: «برگ/ چنان جوان بود و بهار/ چنان ترد/ که طرح پیر چهره از یاد گرفتم/ و به سودای پرنده‌ای تراویده در باد/ به کوچه زدم/ جهان از هیچ خبری خبر نداشت/ و تنها درخت بود که از انفجار دل شکوفه‌ای خبر می‌داد/ و در دل انفجار/ آفتاب/ کودکی از شوق پرپر/ کوچه لیکن/ چه بی‌اعتماد روی گرداند و پیچید سرد/ و من/ صدای قدم‌هایم فروچیدم/ تا رنگ ماشی رهگذر/ بی‌شک از کنار گوشم بگذرد.»

مجموعه شعر بنفش‌تر از خود با خیابان‌های خاموش را انتشارات مروارید در تعداد هزاروصد نسخه منتشر کرده است.

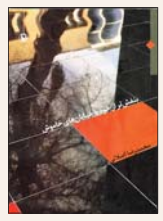

بنفش‌تر از خود با خیابان‌های خاموش
محمدرضا اصلانی
ناشر: مروارید
قیمت: ۴۷۰۰ تومان

مرور

مروری بر نمایشنامه «قرمز»

از نقد هنر تا نقد زندگی

اندیشه‌های مدرن که با نگاه انتقادی به زندگی روزمره جای خود را باز کرد، یک نتیجه مهم داشت و آن همانندسازی نقد هنری به مثابه نقد خود زندگی بود. گویی بسیاری از اندیشه‌هایی که در حوزه نقد هنری و زیباشناسی هنری به کار می‌رفتند آنچنان از متن زندگی و فلسفه بیرون آمده بودند که می‌شد از رهگذر آنها، به برداشت تازه و احتمالا ساده‌ای از وضعیت زندگی آدمی رسید. در این میان متون بسیاری هم بر همین اساس نوشته شده، متونی که در قالب داستان، نمایشنامه، زندگینامه، نقد اجتماعی و... سعی داشته‌اند با محوریت قراردادن نظریات مدرنیسم در حوزه هنر، زندگی روزمره آدمیان را بکاوند تا همان عقلانیت/ شیدایی حاضر در هنر نو، به زندگی مردم – که به نوعی مخاطب این آثار نیز هستند – وارد شود. شاید معروف‌ترین تلاش در این زمینه، همان نمایشنامه «هنر» باشد که یاسمینا رضا سال‌ها پیش آن را برای تاثیرگذاری بر جامعه‌ای نوشت که بی‌آنکه هنر مدرن را شناخته باشد داعیه‌دار حق‌طلبی آن بود. نمایشنامه قرمز ادامه‌ای متفاوت بر همین مسلک و مرام است. قرمز روایتگر جدال دو هنرمند نقاش در مقام استاد و شاگرد است. نقاش استاد که از دلباختگان امپرسیونیسم انتزاعی است رودرروی شاگردی قرار می‌گیرد که دل در گرو پاپ آرت دارد و دنیای ذهنی‌اش به سادگی و صداقت همان رنگ‌های بی‌معنا و فرح‌بخش است. جدال کلامی استاد و دستیار که از اولین صحنه نمایش آغاز می‌شود، بیش از آنکه بر سر هنر باشد، با مصداق هنر است و درباره ذات زندگی. آن دو به هم می‌غرند، با هم چانه می‌زنند اما در نهایت این چالش به خودکشی یکی می‌انجامد و ادامه حیات دیگری. گویی نقد آنچه که ما به عنوان زندگی می‌شناسیم، آنقدر مهم است که اشتباه به نظر آمدن شیوه زندگی، می‌تواند به چنین فاجعه‌ای ختم شود. صحنه آخر اما نمایی از یک تابلو قرمز است، قرمزی که خون شخصیت حذف شده را در ذهن متبادر می‌کند.

قرمز
جان لوگن
مترجم: مهرنوش فطرت
ناشر: افراز

پرفروش‌ها

پرفروش‌های کتاب در هفته گذشته

استقبال از مدایح بی‌صله

جواد ماه‌زاده

در دوره کاسته‌شدن از تعداد عناوین کتاب به دلایل گرانی کاغذ و مشکلات ممیزی، کتاب‌های مهمی که موفق به عبور از این تنگناها می‌شوند، اغلب مورد اقبال مخاطب قرار می‌گیرند و به فروشی قابل توجه دست می‌یابند.

گفت‌وگو با «وودی آلن»

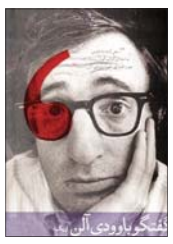

«وودی آلن» فیلمساز جذابی است؛ حتی بیش از فیلم‌هایش. او در کتابی هم که سراسر مصاحبه با اوست، درست مثل فیلم‌هایش حرف می‌زند. این کتاب حاصل گفت‌وگوی یک روزنامه‌نگار با وودی آلن درباره هفت جنبه از فیلمسازی اوست؛ از شکل‌گیری ایده فیلم‌ها گرفته تا انتخاب موسیقی. فیلمنامه‌نویسی، انتخاب بازیگران و صحنه‌ها و لوکیشن‌ها نیز فصل‌های دیگر کتاب را تشکیل می‌دهد. او در طول مصاحبه، هر جا که لازم بوده گریزی هم به خاطرات و دیدارهایش زده و نکات ریز و درشت بسیاری را درباره سینمای اروپا، آمریکا و جریان فیلمسازی منحصربه‌فردش بیان کرده است. این کتاب نشان می‌دهد وودی آلن به عنوان یک فیلمساز از کجا آغاز کرد، چگونه رشد کرد و بالید و چه نگاهی به سینما دارد. مصاحبه‌های او حاوی جزییات جذابی درباره زندگی، سیاست و جامعه آمریکا هم هست؛ درست که فیلم‌هایش با مخاطب صحبت می‌کنند. «گفت‌وگو با وودی آلن» از اریک لاکس ترجمه مازیار عطاریه را نشر شورآفرین در ۶۴۰ صفحه منتشر کرده است.

مدایح بی‌صله

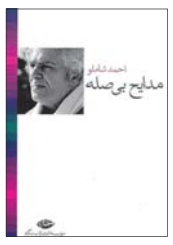

«مدایح بی‌صله» یکی از گزیده کتاب‌های انتشارات نگاه از اشعار «احمد شاملو»ست که به‌تازگی در قطع جیبی و به صورت مجموعه‌ای متفاوت از آثار شاملو راهی بازار شده است. شعرهای شاملو که سال‌هاست در قالب مجموعه اشعار شاعران معاصر ایران در انتشارات نگاه منتشر می‌شود، همیشه جزو پرفروش‌های بازار کتاب بوده است. این کتاب نیز در ۲۱۵ صفحه حاوی اشعار دفتر «مدایح بی‌صله» همراه با یادداشت‌ها، توضیحات و کتابشناسی شاعر است. نگاه دفترهای دیگری از اشعار شاملو را هم در قالب کتاب جیبی و با کاغذ ضخیم منتشر کرده است: آیدا در آینه، ققنوس در باران، در آستانه، مرثیه‌های خاک، هوای تازه و ترانه‌های کوچک غربت.

پسری روی سکوها

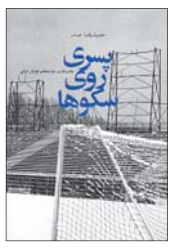

«مگر نتیجه آرزوهای دور و دراز، افسوس‌خوردن نیست؟ مگر آرزو و انتظار همراه یکدیگر نیستند؟ مگر فوتبال بدون ناکامی وجود دارد؟ ... » حمیدرضا صدر که سال‌هاست او را به عنوان کارشناس فوتبال و نویسنده سینمایی می‌شناسیم، خاطرات فوتبالی خود را با قلمی روان و لحنی خاطره‌انگیز در کتاب «پسری روی سکوها» گرد آورده و سبکی جدید در روایتگری و خاطره‌نویسی ورزشی ارایه کرده است. سال‌ها بود که فوتبالدوستان اهل فرهنگ منتظر دست‌به‌قلم‌شدن منتقدی چون حمیدرضا صدر بودند تا خاطرات و مشاهدات فوتبالی‌اش را همراه با تحلیل و توصیف به مخاطب ارایه کند. او شیفته‌وار به گذشته سفر کرده و لحظه‌به‌لحظه حضورش در ورزشگاه‌ها و زندگی با فوتبال ایران را با قلمی پراحساس و نگاهی دقیق، روی کاغذ آورده و چونان گزارشگری خلاق، جوان و پرشور، به بیان حالات درونی خود در قبال فوتبال، زندگی و تاثیرات لحظه‌ای و ماندگار این پدیده اجتماعی پرداخته است. «پسری روی سکوها» پر از لحظه‌ها و جزییاتی است که شاید یک داستان‌نویس فوتبالدوست هم نتواند نظیر آنها را بسازد. کتاب تازه حمیدرضا صدر پر از گزارش‌های ناب فوتبال روی کاغذ است. این کتاب ۴۹۰ صفحه‌ای را نشر زاوش منتشر کرده است.

زبان شعر در نثر صوفیه

این کتاب استاد «محمدرضا شفیعی کدکنی» سرانجام منتشر شد تا مخاطبانی را که سال‌ها انتظارش را می‌کشیدند سیراب کند. شفیعی‌کدکنی، بخش اعظم فصول کتاب را در سال‌های ۱۹۷۸–۱۹۷۵ در دانشگاه پرینستون نوشت و آن را در اواخر سال ۱۳۵۶ به چاپخانه فرستاد. او در پایان یکی از مجموعه اشعارش نیز وعده داده بود که به زودی «زبان شعر در نثر صوفیه» به چاپ می‌رسد و حتی در مقدمه «تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا» را هم به آن در آینده نزدیک ارجاع داده بود. اما کتاب همچنان ماند تا اینکه سرانجام در روزهای اخیر با چاپی مناسب وارد بازار کتاب شد. این کتاب شامل بیش از ۴۰مقاله در سبک‌شناسی نگاه عرفانی است. دستور زبان عرفان، رمزگرایی عارفان، زبان علم و زبان معرفت، کاربرد صوفیه از زبان، زبان هنری عارف و تلقی قدما از جمال‌شناسی، عناوین بخشی از مقالات کتاب است که بی‌تردید خواهان بسیار دارد و پرداختن عمیق به این مضامین ادبی جز از شفیعی کدکنی انتظار نمی‌رود. کتابی است محققانه و روشنگرانه و حاکی از اشراف استاد بر علوم دینی و قرآنی و سال‌ها غور در عرفان و تصوف. «زبان شعر در نثر صوفیه» از مجموعه میراث عرفانی ایران، در ۶۵۹ صفحه از سوی نشر سخن منتشر شده است.

ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران

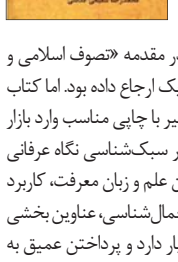

کتاب ارزشمند دیگری که چند ماهی است وارد بازار شده و ستایش محققان و مورخان ادبیات را برانگیخته، کتاب سه‌جلدی «ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران» به کوشش حسن ذوالفقاری و محبوبه حیدری (نشر رشدآوران) است. مکتب‌خانه‌ها یکی از اصلی‌ترین حلقه‌های آموزش در ایران بوده‌اند. متون مکتب‌خانه‌ای هم گونه‌ای خاص از ادبیات است که «ادبیات مکتب‌خانه» نامیده می‌شود. این کتاب سه‌جلدی و مصور، شامل ۷۰ متن درسی چاپ سنگی مکتب‌خانه‌ها در عصر قاجار است که جز معدودی، تا امروز تجدیدچاپ نشده‌اند. این متون در قالب‌های نظم و نثر هستند و محتوای آنها عمدتا تعلیمی، دینی، اخلاقی و طنز و کنایه است. این متون که بخشی مهم از ادبیات عامه ایران را دربر می‌گیرد، مخاطب را با ویژگی‌های افسانه‌ها و قصه‌های عامه آشنا می‌کند و از بعد آموزشی نیز سیر تطور آموزش در ایران را در دوره مکتب‌خانه‌ها ثبت و ضبط می‌کند. اگر حذفیات ناگزیر کتاب را در نظر نگیریم، می‌توانیم آن را یکی از کامل‌ترین منابع مکتوب از ادبیات شفاهی ایران تلقی کنیم.

جدول۱۷۲۹

افقی:
۱ - بخشیدن - محافظ چشم ۲ - شهر پاکستان - اکنون - پرنده وحشی حلال گوشت ۳ - سوره بنی اسراییل - تاراج - کاروان‌ها ۴ - دوستان - مورچه‌خوار آفریقایی ۵ - حرص و طمع - جانشین - بیماری - بعید ۶ - گیج و سرگشته - تکرار یک حرف - بندری در فرانسه - حرف انتخاب ۷ - دریافتن - عموی پیامبر ۸ - اثری از «گی دومو پاسان» - زگیل ۹ - لوز المعده - الهه گلهای رومیان باستان ۱۰ - مهره شطرنج - به دنبال - شاخ شکسته! - شهر صنعتی آلمان ۱۱ - سپید موی شاهنامه - نمایشنامه - از اعداد دو رقمی - عدد منفی ۱۲ - جمع ناسور - حاجت ۱۳ - میل و رغبت - برق زننده - نظیر ۱۴ - وقف‌کننده - واحد طول انگلیس - اطرافیان ۱۵ - نوعی پوشاک گشادبی آستین - نویسنده «عشق در بدر»

عمودی:
۱ - از ایالات ینگه دنیا - گیاهی خوشبو با کاربرد طبی ۲ - واحد شمارش چار پا - هنوز نمرده - جاده ورودی تهران ۳ - درخشان - دسته خارجی - دست‌کم ۴ - صدا - از توابع کاشان - شمشیر ۵ - مذکر - نوعی عطر خوشبوکننده - جلو ۶ - نوعی اسباب بازی - کیمیا - دریا ۷ - سوخته دل - پرس واژگون! - ثروتمند ۸ - اشاره - چراغ - آگاه و بصیر ۹ - ورزش آبی - صدای گربه - همبازی لورل ۱۰ - تنها - معلم اول - مهربان ۱۱ - وام - کشتی تاریخی فیلیپ دوم - زنده ۱۲ - محصول آتش - ناله دردناک و آه - خزنده خوش خط و خال ۱۳ - از روزنامه‌های شوروی - عقیده - انکار کردن ۱۴ - از غدد بدن - امپراتور دیوانه روم باستان - همچنین ۱۵ - سدی در استان خراسان - از آبزیان

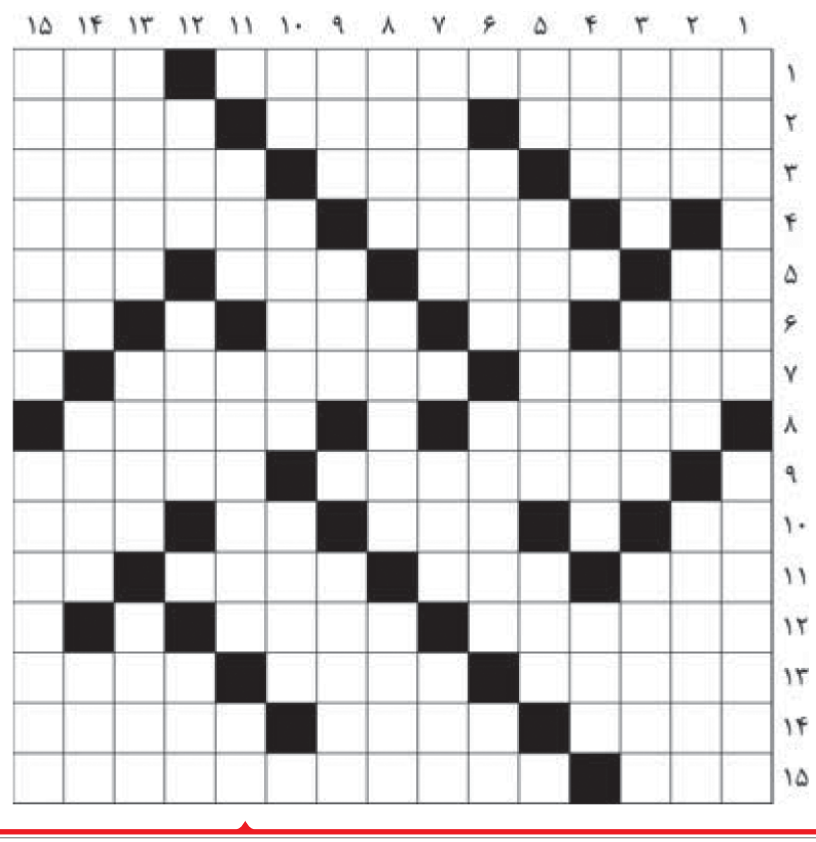

جدول۱۷۲۸

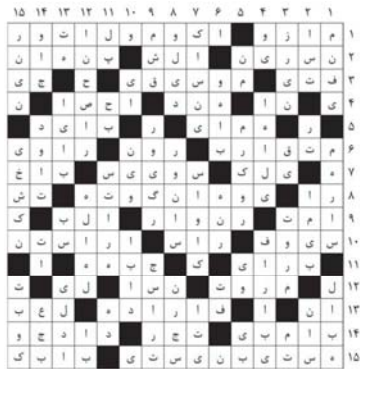

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۳۸۱

	۲	۸			۵			۹
			۹	۷			۳	
					۸	۲		۴
۴		۹						۸
	۳	۵		۲		۶		
۲	۶	۱	۵					
		۷			۶	۳		
۱					۷			۶
	۹			۵	۱			

حل سودوکو سخت

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۳۲

۷			۹	۳	۲	۴		
۹		۸				۲		
	۴		۱	۸		۷		۶
۴	۷	۲		۵				۹
	۶	۱	۷			۵		
	۸				۳	۱	۷	
	۲	۵	۳			۶		
۱	۹	۴	۵			۸		
۶	۳		۲	۱			۴	

حل سودوکو ۷۳۱

۱	۶	۵	۴	۷	۸	۲	۳	۹
۴	۲	۹	۵	۱	۳	۶	۸	۷
۸	۷	۳	۲	۹	۶	۱	۵	۴
۷	۸	۲	۳	۶	۴	۵	۹	۱
۹	۳	۴	۷	۵	۱	۸	۲	۶
۶	۵	۱	۹	۸	۲	۴	۷	۳
۲	۹	۷	۱	۴	۵	۳	۶	۸
۳	۴	۶	۸	۲	۹	۷	۱	۵
۵	۱	۸	۶	۳	۷	۹	۴	۲